

یادداشت

کم‌کاری‌های بزرگ

علی وکیل

● کم‌کاری یک معضل اساسی و بنیادی است که گریانگیر همه بخش‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کشور شده است. از آنها به ابتدا، کم‌کاری دستگاه دیپلماسی ما در حوزه اقتصاد باعث شده فرصت‌های انکارنشدنی سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی، به‌ویژه پول‌های سرگردان، مغفول و ناشناخته بماند. در زمینه فرهنگی، وضعیت نابسامان فرهنگی کشور به‌ویژه در بخش آموزش و پژوهش، به‌قدری واضح است که به‌طور مرتب از سوی مسئولان محترم گوشزد می‌شود. نبود امکان رقابت در توسعه فناوری، عقب‌ماندن از بازار اقتصادهای دانش‌بنیان، در زمینه نشر و خواندن کتاب، پایان‌نامه‌های دانشجویی، تعداد زیاد دستگاه‌های فرهنگی و بسیاری موارد دیگر از کم‌کاری در حوزه فرهنگی کشور حاصل آمده است. اما در زمینه اقتصاد، این مطلب را نمی‌توان شمارش و ارزیابی کرد. درحالی‌که ما در زمینه‌های علوم پایه نظیر ریاضی، فیزیک، شیمی، کامپیوتر و زیست‌شناسی در دنیا صاحب نام و صاحب مدال آن‌هم از نوع خوش‌رنگش هستیم، در استفاده از این ظرفیت در حوزه‌های اقتصادی بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم. درحالی‌که در جهان بیشتر فارغ‌التحصیلان رشته‌های فیزیک و ریاضی جذب بازارهای مالی می‌شوند و به عنوان تحلیلگر بازار کار می‌کنند، ما نتجکان این رشته را صادر نمی‌کنیم. رشته اقتصاد را در شاخه علوم انسانی سازمان داده‌ایم؛ درصورتی‌که اقتصاد یک رشته کاملاً مرتبط با علوم پایه ریاضی است. امروز در شرایطی که بسیاری از شرکت‌های دانش‌بنیان در تحلیل بازار به کار گرفته می‌شوند و در زمینه تحلیل داده‌های بزرگ (Big Data)، نرم‌افزارهایی قوی نوشته می‌شود که قادرند تحلیل‌های مالی دقیقی از اوضاع در اختیار فعالان حوزه‌های کسب‌وکار قرار دهند، در ایران تعداد بسیار کمی از شرکت‌های خودجوش و کوچک در این زمینه فعال هستند؛ بنابراین در این حوزه نیز کم‌کاری کرده‌ایم. اقتصاد که بر مبنای فناوری اطلاعات هم‌اکنون در جهان معاصر حرف اول را می‌زند، در ایران در ابتدای راه است و متأسفانه در این زمینه نیز توقیفی کسب نکرده‌ایم. همچنین در استفاده از ظرفیت‌های نتجکان دانشگاهی در طراحی صنعتی، شهری، گردشگری و... بسیار ضعیف و کم‌کاریم. درحالی‌که ظرفیت‌های بسیاری در کشور برای این فعالیت‌ها وجود دارد. اما درباره کارکردن، شوربختانه باید اذعان کنیم جمعیت فعال کشور -از لحاظ نرخ متوسط کار در شاخه‌های کارگری و کارمندی و سایر فعالیت‌ها در رتبه‌های پایین جهان قرار دارند. شایان ذکر است که همه این نارسایی‌ها و کم‌کاری‌ها که به صورت گذرا و به اجمال گفته شد، معلول نبود یک برنامه یکپارچه توسعه کشور و حوزه‌های پرشمرده‌شده و الزامات اجرایی‌شدن آنها، چالش اصلی پیش‌روی مدیریت کشور است که باید با سعه‌صدر و ازخودگذشتگی برای توسعه همه‌جانبه به انجام آن مبادرت ورزید.

عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

خبر

حفر چاه غیرمجاز برای کشت دوم برنج

● ایرنا؛ عضو اندیشکده تدبیر آب ایران می‌گوید: در برخی استان‌ها مانند مازندران، کشت دوم برنج متداول شده و ازآنجاکه منابع آب مورد نیاز برای این کشت محدود است، کشاورزان شروع به حفر چاه‌های غیرمجاز جدید کرده‌اند. «انوش نوری‌اسفندیاری» درباره پر و مسلوب‌المنفعه‌کردن (مسدودکردن) ۳۲هزارو ۷۲۸ حلقه چاه در چهار سال اخیر، می‌گوید: سرعت این امر متناسب با تعداد چاه‌های غیرمجاز نیست و با این روند کنونی، پر و مسلوب‌المنفعه‌کردن چاه‌های غیرمجاز کنونی حدود ۱۵ سال طول می‌کشد؛ ضمن اینکه در این مدت نیز چاه‌های جدیدی حفر خواهد شد.

طلب ۶۵۰میلیارد تومانی مخابرات از مردم

● ایسنا؛ طبق آخرین اطلاعات، شرکت مخابرات ایران حدود ۶۵۰ میلیارد تومان در بخش تلفن ثابت با لایه‌وصلی مواجه بوده و برای کاهش این رقم برنامه‌های تشویقی برای مشترکان بدهکار تدوین کرده است. میزان لایه‌وصلی‌های مخابرات در کل کشور و در استان‌های مختلف هم از هشت تا ۲۴ درصد متفاوت است و حتی در برخی استان‌ها این رقم به شش درصد هم رسیده است. برخی لایه‌وصلی‌های مخابرات مربوط به سرویس‌هایی است که شارژتنگ آنلاین ندارند که در این زمینه شرکت مخابرات ایران با شرکت ارتباطات زیرساخت وارد مذاکره شد تا این سیستم فعال شود.

ادامه از صفحه ۵

اعداد و ارقامی که در این جمع‌آوری شده به ما می‌گوید اگر خوب کار کنیم شاید تا ۳۸ درصد بتوان جلوی این ضرر را گرفت، چون این یک واکنش طبیعی است و نمی‌توان صد درصد مهارش کرد. **ک** در کدام بخش از اقتصاد، بیشترین زیان ناشی از خوردگی وجود دارد و کدام بخش‌ها عملکرد مناسبی را در این زمینه داشته‌اند؟

یکی از بهترین‌ها در امر تدبیر خوردگی، سازمان هواپیمایی ملی کشور (هما) است که واقعا چا دارد از آنها تقدیر شود. البته هنوز احتیاج به بازآموزی دارند و هر سه ماه و شش ماه باید دانش تخصصی‌شان در این مورد به‌روز شود. همین‌طور دوستان و همکارانی که در قسمت‌های مرتبط با نفت، گاز و پتروشیمی کار می‌کنند، کارشناسان جوانی که در گرمای وحشتناک لایان و سیری و خارک و مناطق مشابه در جنوب یا سرمای طاقت‌فرسا در نواحی شمالی و غرب کشور کار می‌کنند، واقعا پتانسیل‌های بالایی دارند و به‌عنوان بخش صنعتی جزء بهترین‌ها هستند. متأسفانه در پایین‌ترین سطح آگاهی، مجموعه صنایع و معادن هستند. صنایع مس، فولاد و امثالهم که نیاز بسیاربسیار عاجل به رسیدگی دارند. پایین‌تر از صنایع و معادن، مدیریت بحران شهرداری‌هاست. خیلی پایین‌تر، در کلان‌شهری مثل تهران و اصفهان، در قسمت فنی مرتبط با شهرداری جایی را ندارید که بتوانید روی آن دست بگذارید و بگویید اینجا مسئول رسیدگی به امر خوردگی است و این‌هم صاحب‌نظرانی که در اینجا به‌عنوان کارشناس یا مشاور خدمت می‌کنند. مثلاً در پالایشگاه می‌گویید بازرسی فنی، مسئول خوردگی است. در نیروگاه، بخش شیمی مسئول خوردگی است. در شهرداری یک دفتر فنی وجود دارد که اکثراً مهندس عمران هستند و در مورد خوردگی و انواع آن دانش تخصصی وجود ندارد. برحسب اظهارنظر یکی از محققان در کنگره خوردگی که در نیروگاه اصفهان انجام شد، در یکی از کلان‌شهرهای بزرگ ایران، ساختمان‌های اداری بتونی که در مرکز شهر وجود دارد تمامی آرماتورها داخلی‌اش پوسیده و از بین رفته است و کل ساختمان‌ها روی مقاومت فشاری بتون قرار دارند. یعنی مثل این است که شما اینها را مثل قوطی کبریت روی هم چیده باشید! می‌خواهم بگویم هر چه خوبه‌اید بس است، بیدار شوید، چه باید بکنیم؟ راه دارد. این‌طور نیست که فکر کنیم راهی نیست و نمی‌توان کاری کرد. راه دارد اما این راه، یک‌کاسه‌کردن تمامی تلاش‌هایی است که نتواند وظیفه‌اش را انجام دهد. می‌شود و همدیگر را خنثی می‌کنند. در سؤال قبل اشاره کردم اما باز هم تکرار می‌کنم، از طریق همین روزنامه تقاضا می‌کنم با آقای دکتر یونخت یک جلسه داشته باشیم. مرکز آمار ایران باید متولی این کار باشد. باید کمیته‌ای درست کنیم که در آن کمیته هم نمایندگان چهار وزارتخانه استراتژیک (نفت، نیرو، معادن و دفاع) باشند، هم از نهاد ریاست‌جمهوری، هم از بانک مرکزی و هم از سازمان حفاظت محیط زیست. ریاست اینها هم باید با سازمان برنامه و بودجه باشد.

اثرات غیرمستقیم آن بر اقتصاد چگونه است؟

خط لوله‌ای را در نظر بگیرید که مواد نفتی یا گازی یا پتروشیمیایی را منتقل می‌کند. وقتی این خط لوله در اثر خوردگی سوراخ شد، در دریا باشد یا در خشکی هرکدام مشکلات خودش را دارد. این مواد وارد محیط زیست می‌شوند. اینکه حیوانات را از بین می‌برند و محیط را عوض می‌کنند به جای خود، بحث ما نیست. هزینه‌ای که می‌پردازند برای پاک‌سازی آن منطقه، ضرر اقتصادی است. اینجا جنبه‌های غیرمستقیم خوردگی است که هزینه اضافه می‌کند. دو سال تمام با سازمان حفاظت محیط زیست ایران رفت‌وآمد کردم. گفتم من حدود هشت سال قبل در آلمان کتابی نوشته و چاپ کرده‌ام که در آن برای اولین‌بار جنبه‌های سیستماتیک اثرات زیست‌محیطی خوردگی بررسی شده است. پیشنهاد کردم یک کمیته مشترک شامل محیط‌زیستی‌اش و خوردگی‌کارها تشکیل دهیم. این کار انجام نشد چون دو قدرتی که باید پشت من باشند، نیستند. اول قدرت قانون و مجلس و دیگری سازمان برنامه و بودجه. در قانون، چیزی نداریم که مدیران و برنامه‌ریزان صنعتی را مجبور کند که یک ردیف در برنامه‌های مربوط به بستن بودجه‌ها، با عنوان «هزینه خوردگی» در نظر بگیرند. هزینه خوردگی را چه کسی باید ارزیابی کند؟ سازمان برنامه و بودجه. این سازمان هم دومین قدرتی است که باید باشد اما نیست.

ک آیا تحریم‌ها در شدت یافتن خوردگی در کشور تأثیری داشت؟

اتفاقاً تحریم‌های یکی از برکاتی که داشت این بود که چون از منابع خارجی ناامید شده بودیم برگشتیم و خودمان را کشف کردیم. البته نمی‌گویم هرچه خودمان ایجاد کرده و استفاده کرده‌ایم بهترین کیفیت را داشت، ولی کم‌کم در مسیر افتاده بودیم. نظیر همین شرایط را در زمان جنگ تجربه کردیم. تحریم‌ها صد درصد تبعات خودش را دارد اما «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد». بحث تحقیق و توسعه راه می‌افتد و بخش تحقیق و توسعه دانشی را که ایجاد می‌کند بخش صنعت جذب می‌کند. اکنون مشکل ما دقیقاً این است. صنعت نمی‌داند چه می‌خواهد، چون نمی‌داند از لحاظ اقتصادی چه ضرری می‌خورد، فقط نیازهای روزبه‌روز را می‌بیند و در نتیجه تحقیق و توسعه هم آنی که باید بشود نمی‌شود. تحقیق و توسعه نیاز صنعت است. اگر صنعت نیاز احساس نکند تحقیق و توسعه هم تبعیدگاهی برای یک مشت آدم بااستعداد خواهد بود. همین‌طور بخش آموزش. متأسفانه یکی از ضعیف‌ترین بخش‌ها در صنایع، آموزش است.

ک در بخش ایمنی چقدر آسیب‌پذیر هستیم؟

در سال ۱۳۸۰ اولین کنگره خوردگی در صنعت نفت را ایران برگزار شد. در آن مجموعه‌مقالات، مقاله‌ای

اقتصاد

زیان ۱۸۰ هزار میلیاردی ایران از «خوردگی»



عکس: رنوف رستنی شرق

اقتصادی ناشی از خوردگی و مسائل بهداشتی مرتبط با آنکه از ناحیه این نیروگاه‌ها و نیروی انسانی فعال در آن یا در اطراف آن، متحمل می‌شوند، پیشگیری کرد. در مثالی دیگر، خون انسان از لحاظ خوردنگی و مهاجم‌بودن در برابر فلزات مثل آب دریای گرم (مثلاً خلیج فارس) است. ایملپت‌هایی که در بدن به کار می‌رود همه‌شان از بهترین متریال نیستند، اینها به مرور زمان خورده می‌شوند.

محصولاتی که از این خوردگی به وجود می‌آید با جریان خون در بدن می‌چرخند. اگر یکی از محصولات آلبازی که در ایمپلنت‌ها وجود دارد، آلومینوم باشد، که هست، در بافت‌های مغز انباشته می‌شود که نتیجه‌اش آلزایمر است. ممکن است کسی تصادف کند و محتاج استفاده از این ایمپلنت‌ها شود. آیا انصاف است که با نداشتن اطلاعات کافی از فرایند خوردنگی خون روی متریال مورد استفاده، بعد از چند سال ابتلای شخص به آلزایمر تسهیل شود که جدا از ناراحتی‌های روحی و روانی، باعث تحمیل هزینه اقتصادی به سیستم بهداشت کشور شود؟ این شخص نیازمند مراقبت و دارو است و همه اینها هزینه است. وزارت بهداشت برای این کار چه کرده است؟ می‌شود بررسی کرد. حتماً در این‌باره تحقیقات شده و اما فاصله بین صنعت و دانشگاه اینجااست که این تحقیقات وجود داشته (به‌شرط وجود) و نه آینده‌نگری ضرر و زیان تا بتوان برای آن طرح جامع و راه‌حلی عملی در نظر گرفت. همه اینها ضررهای اقتصادی غیرمستقیم خوردگی است که به چشم نمی‌آید اما هزینه‌هایش سرسام‌آور است. تمامی اینها قابل تدبیر و مدیریت است. **ک** چقدر سرمایه‌گذاری برای جلوگیری از این اتفاق نیاز است؟

البته درباره خوردگی جلوگیری نداریم، بلکه به‌دلیل

طبیعی‌بودن این فرایند در نه‌بایت می‌توانیم پیشگیری داشته باشیم. خوردگی دو بال دارد. اگر درباره این دو بال، جداگانه تدبیر بیندیشیم فایده‌ای ندارد. بال اول اقیانع‌کردن مدیران است. منظورم از مدیر، بزرگواران شاغل در سطح کلان است. من حدود ۲۰ سال قبل نظریه‌ای را عنوان کردم به نام مدیریت دانش خوردگی. حرفم این بود که اگر بخواهم برای مدیر، معاون وزیر، وزیر، رئیس‌جمهور یک ربع در مورد خوردگی و روش‌های کنترل صحبت کنم چه باید بگویم، من که نمی‌خواهم برایشان معادلات فزادی و الکتروشیمی بگویم، معتقدم زمانی دنبال درمان بیماری می‌روم که بدانم بیمار هستم. تا وقتی قبول نکنم بیمار هستم به دکتر نمی‌روم. الان باید در فاز اقیانع‌شدن مدیران و به موازات آن ایجاد و به‌روزرکردن دانش تخصصی حرکت کنیم. منظورم از متخصصان، متخصصان فنی و غیرفنی است. فنی مانند مهندسان و غیرفنی مانند کسانی که در امور اقتصادی امور اداری و استخدایمی و مانند آن کار می‌کنند، خوردگی مثل کمک‌های اولیه است و هرکسی در یک حدی باید بداند امور اداری و مالی هم باید تا حدی از خوردگی اطلاع داشته باشد. اما در جواب سؤال شما من تنها می‌توانم یک حس بزنم. ما برای این‌کار نیاز به پروژه‌ای در حد ملی داریم که در آن چندین متخصص زبده در رشته‌های مختلف همکاری کنند. اصلاً تعریف این پروژه خودش یک پروژه است! من حدسم در حد یک تا دو تریلیون تومان است. البته این فقط یک تخمین است و ممکن است کاملاً تغییر کند.

ک برآوردی وجود ندارد؟

فعلاً مدل‌سازی می‌کنیم. اگر سالانه ۱۸۰ هزار میلیارد تومان از دست بدهیم و فقط بتوانیم ۱۰ درصد این میزان را کم کنیم، سالانه ۱۸ تریلیون تومان صرفه‌جویی می‌کنیم که هنوز هم از کل بودجه عمرانی کشور بالاتر است. بنابراین اگر همه موارد را هوشمندانه به کار ببریم می‌توانیم به اندازه بودجه عمرانی کشور صرفه‌جویی کنیم. درواقع می‌توانید بودجه عمرانی کشور را با صرف هزینه‌های بسیار اندک دوباربر کنید. فقط الان برای این کار به سه پارامتر احتیاج داریم که هرچه زودتر باید راه بیفتند. پارامتر اول ابزار قانونی است. پارامتر دوم ایجاد استاندارد آماری است که باز هم می‌گویم سازمان برنامه و بودجه باید متولی آن باشد چون جای دیگری را در این مورد اصلاح نمی‌دانم. مورد سوم اینکه مدیریت دانش خوردگی را (با همین عنوان) برای اقیانع مدیران به کار بگیریم. مدیران باید بدانند خوردگی به‌ویژه در مقوله‌های حساسی مانند لوله‌گاز و... مانند بمب ساعتی است و باید هرچه زودتر، برای کنترل آن وارد عمل شد.

گذر

تصمیم جدید بانک مرکزی

برای بستن حساب‌های راكد

● مهر؛ یک مدیر در بانک مرکزی گفت: درصورتی‌که سپرده کوتاه‌مدت عادی، دو سال، سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز، سه سال و سپرده قرض‌الحسنه جاری، پس از وصول آخرین برگه چک پس از یک سال راكد باشد، مسدود می‌شود. حمیدرضا غنی‌آبادی گفت: تعداد بسیار زیاد حساب‌های سپرده بانکی بدون گردش مالی، یکی از مشکلاتی است که نظام بانکی در سالیان اخیر با آن مواجه بوده است؛ این موضوع باعث شده هزینه‌های گزافی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از بابت نگهداری حساب‌ها تحمیل شود و از سوی دیگر، حجم بالای حساب‌ها، امکان سوءاستفاده از آنها را افزایش می‌دهد؛ ازاین‌رو بانک مرکزی در حدود دو هفته پیش دستورالعمل اجرایی شناسایی و تعیین تکلیف حساب‌های مطالبه‌نشده و مازاد ریالی را ابلاغ کرده است. یکی از مشکلاتی که نظام بانکی در سال‌های اخیر با آن مواجه بوده، تعداد بسیار زیاد حساب‌های سپرده بانکی بدون گردش مالی است، به‌نحوی‌که این موضوع باعث شده هزینه‌های گزافی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از بابت نگهداری حساب‌ها تحمیل شود و از سوی دیگر حجم بالای حساب‌ها، امکان سوءاستفاده از آنها را افزایش می‌دهد. وی درباره دلایل حجم بالای حساب‌های مطالبه‌نشده و مازاد ریالی شبکه بانکی تصریح کرد: از جمله دلایل افزایش این قبیل حساب‌ها، کاهش ارزش معنادار در مانده موجودی بسیاری از این حساب‌ها ناشی از تورم و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، فراموشی صاحبان سپرده، فوت آنها، عدم اطلاع وراثت و قائم‌مقام قانونی سپرده‌گذاران یا عدم شناسایی و مراجعه آنها بوده است؛ به این معنا که حساب‌هایی ازاین‌دست، به‌لحاظ تعداد، زیاد و از نظر مبلغ، پایین هستند، اما درهرحال مجموع مبلغ کلی این حساب‌ها بالاست. این مقام مسئول بانک مرکزی، پیشگیری از وقوع پول‌شویی را از دیگر دلایل ابلاغ این بخش‌نامه عنوان کرد و گفت: افرادی که قصد پول‌شویی دارند، گاهی اقدام به گشایش تعداد متعددی حساب با رقم و حجم پایین می‌کنند تا از این طریق، در مظان کمتری قرار گیرند و احتمال رصد و پایش تراکنش‌های حساب‌های آنها کاهش یابد که براین‌اساس، یکی دیگر از کارکردهای دستورالعمل یادشده به این مهم معطوف بوده است.

توانتخاب می‌کنی...

حجم و قیمت و سرعت ارتباطات تو

آسیاتک، اپراتور برتر ارتباطات ثابت کشور



۱۵۴۴



asiatech.ir

آسیاتک

اینترنت یک، آسیاتک

دارای مجوز FCP به شماره ۱۶ -۹۴-۱۰۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی